

در این شماره "راه توده" دو نامه را خطاب به رفیق خاوری و منتشرکنندگان "نامه مردم" و رفقای رهبری سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت - می خوانید. مضمون هر دو نامه، بی نیاز از هر توضیحی پیرامون انگیزه تگارش آنهاست. اما دلیل انتشار آنها در "راه توده" نیازمند توضیح است. تا آنجا که مربوط به "نامه مردم" و منتشرکنندگان آن می شود؛ در ماه های گذشته گزارش ها، کلابه ها و پیشنهادهاى مختلفی در ارتباط با وضع کنونی این بخش از حزب دریافت داشته ایم. بسیاری از نویسندگان و ارسال کنندگان این گزارش ها و پیشنهادها، مشوق ما برای عملی تر کردن مسائل بوده اند. همین عده، بر این امر پای فشرده اند، که راهگشای وحدت تشکیلاتی-نظری حزب، نه ارتباط ها و تلاش های پشت صحنه، بلکه در میان گذاشتن مسائل، بصورت علنی، با همه علاقمندان و طرفداران حزب توده ایران است. بویژه آنکه تشدید جنبش انقلابی در داخل کشور، جنب و جوش نوینی را در میان مهاجرین توده ای موجب شده است. در همین ارتباط، عده ای از علاقمندان و خوانندگان توده ای "راه توده"، خواهان انتشار اخبار و گزارش های ارسالی خودشان به "راه توده" شده اند، که در این ارتباط نیز، مادر این شماره بزخی از این گزارش ها را در صفحه "نامه ها و پیام ها" منکس کرده ایم. "راه توده" امیدوار است، با ورود به صحنه برخی یاران قدیمی و شناخته شده حزب، بتوان به آن جمعیتی دست یافت، که برای نخستین گام عملی، در جهت وحدت و جمع نیروهای توده ای بدان نیازاست.

تلاش های اخیر سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت - برای جمع آوری همه کادرها و یاران قدیمی این سازمان، جهت تمرکز همه نیروی بالقوه سازمان جهت تشدید فعالیت ها، از جمله انگیزه های اساسی تدوین نامه ای خطاب به رفقای این سازمان بوده است، که آنرا در ادامه می خوانید. بویژه آنکه، همزمان با تشدید جنبش در داخل کشور، براساس مندرجات نشریه "کار"، ضرورت تدقیق برداشت ها از اسناد کنگره اخیر سازمان و دست یابی به سیاست هایی بازم روشن تر و نزدیک تر به واقعیات جامعه ایران، همچنان در دستور کار رهبری این سازمان است. روندی که امید می رود، سرانجام در حزب توده ایران نیز آغاز شود!

رفیق خاوری

و دیگر رفقایانی که به نوعی در سالهای اخیر، در سمت و سوی سیاسی-تشکیلاتی کنونی حزب نقش و مسئولیت داشته اید!

انتشارات حزب (که نشریه "نامه مردم" آینه تمام نمای آنست) و سرانجام، فلج سیاسی و تشکیلاتی، در آن لحظات و شرایطی که باید آگاهی حزب از امور جامعه به نمایش گذاشته شود! (۱)

مجموعه همین عوامل موجب شد تا اشتباه تاریخی "تحریم انقلابی انتخابات" مجلس پنجم، بنام کمیته مرکزی حزب توده ایران اعلام شود و علیرغم تمام شواهد، قرائن، مطالب و تذکرات متعددی که داده شد، همین سیاست، با این ادعا، که "مگر جناح ها با هم تفاوت دارند؟" تا پایان انتخابات دوره هفتم ریاست جمهوری ادامه یافت. اکنون نیز، علیرغم پذیرش ظاهری نتیجه انتخابات ریاست جمهوری، سیاست تبلیغاتی "نامه مردم"، ادامه انتظار تا سقوط دولت خاتمی و اعلام "ما گفته بودیم، که رای دادن بی فایده است" پیگیری می شود! (۲)

هم در آستانه انتخابات مجلس پنجم، و هم پیش از انتخابات ریاست جمهوری، به شخص رفیق خاوری، در تماس تلفنی و طی بحثی نسبتاً طولانی هشدار داده شد، که اوضاع ایران آنگونه نیست که شما تصور می کنید و "نامه مردم" می نویسد. مسئله انتخابات جدی است و باید در آن شرکت کرد. پاسخ رفیق خاوری در ارتباط انتخابات مجلس پنجم این بود: «همه میلیونی که شماها هم آنها را قبول دارید، تحریم کرده اند، من هم می کنم!». و درباره انتخابات ریاست جمهوری نیز "نامه مردم"، تحت عنوان "توده های انتخاب اصلح به انتخابات آزاد" همان مواضع را اعلام داشت. بدین ترتیب، فاجعه ادامه یافت و گویا قرار است ادامه یابد، چرا که اگر غیر از این بود، تدابیر و تدارکات برای کنگره ای که قرار است تا دو روز دیگر (۱۲ فوریه برابر ۲۳ بهمن ماه) تشکیل شود، غیر از آن بود که ما شاهدیم و اطلاع داریم: تمام تلاش را به کار گرفتن، برای بردن کسانی به کنگره که هیچ نوع مخالفتی با رهبری فردی و یکه تازی ها نداشته باشند، انگشت روی دردهای اساسی مهاجرت نگذارند، مسائل ایران را مطرح نکنند، درباره انتخابات و "تحریم انقلابی" سؤال نکنند. در حالیکه، اگر اجلاسی واقعی تشکیل شود، پیرامون این سیاست ها و تصمیمات خودسرانه باید به جمع پاسخ داده شود! و اکنون، همه تدابیری که برای سرهمبندی کردن یک اجلاس دیگر و تکرار گذشته، بکار گرفته شده، از جمله پشت این شوخی تاریخی هم پنهان نگاهداشته می شود: "راه توده ای ها نهنمند!"

تنها در دوران رکود و انفعال جنبش است، که می توان پشت این نوع بهانه ها سنگر گرفت و ضعف ها را پنهان کرد. آیا اوضاع کنونی ایران و جنبش کنونی نشانه ای از رکود و انفعال را با خود دارد؟ بنظر ما "خیر" و به همین دلیل نیز باید با شیوه های گذشته وداع گفت! نگاه کنید به جامعه و رویدادهای آن؛ آیا مجموعه حکومت قادر است، عملکرد خود را، مانند سالهای گذشته، از مردم پنهان نگاهدارد؟ حزب نیز، جامعه کوچکی است، متاثر از جامعه بزرگ! تصفیه ها، خود محوری ها، جوسازی ها، شایعه پراکنی ها و نادیده گرفتن واقعیات، بی عملی و انزوا گزینی، مشکلات حزب را در سالهای اخیر چند برابر کرد و ادامه این شیوه کار حزبی، این مشکلات را چندین برابر خواهد کرد.

در این فرصت بسیار تنگ، که اساسی ترین مسائل می بایستی چنان مطرح شود، که مسائل فرعی در حاشیه قرار گیرد، "راه توده" نکات زیر را رفیقانه طرح و توصیه کرده و توجه به آنها را وظیفه ای حزبی ارزیابی می کند:

رفقا!

اعتراف به اشتباه، نه تنها چیزی از ما کم نمی کند، بلکه بندهای کنونی را برای تعیین دقیق ترین سیاست ها، تاکتیک ها و شعارها، و طبعاً تنظیم تبلیغات حزبی، از پای حزب، باز می کند. باید اشتباهات تشکیلاتی و سیاسی را بازشناخت و از آنها فاصله گرفت.

کدام جلسه با کدام اهداف؟

از آنجا که "راه توده" خود را یک گردان استوار توده ای می شناسد، نکات زیر، به توصیه همه رفقایانی که با این گردان همکاری دارند، و در آستانه تشکیل اجلاسی که قرار است "کنگره" اعلام شود، نوشته می شود:

ما، از همان ابتدای مزمزه تشکیل کنگره حزبی در مهاجرت، که بعدها مشخص شد، تصفیه حزب از کادریهای سابقه دار و شناخته شده حزبی، و تشکیل "حزبی جدید"، با "سیاستی جدید" انگیزه آن بوده است، چه در تماس های فردی و چه بصورت مکتوب، گفتیم و نوشتیم، که آنچه می تواند از تشدید بحران تشکیلاتی و طبعاً نظری- در حزب جلوگیری کند، نه تشکیل کنگره، بلکه قبول واقعیات، خاتمه بخشیدن به رهبری فردی، تمرکز اندیشه و نیرو بر روی مسائل داخل کشور، تدقیق شعارها، تاکتیک ها و استراتژی حزب، اعتماد به کادرها و تقویت اعتقاد به خرد جمعی و دموکراسی درون حزبی است. در آن شرایط، به این واقع بینی و توصیه ها توجه نشد و متأسفانه کسانی نیز، با انگیزه های متفاوت و شاید صادقانه راه را برای آن تصفیه ها و برپایی کنگره هموار ساختند و با آن همگام شدند.

پس از پایان نخستین کنگره مهاجرت، رفیق خاوری در مصاحبه ای، مسائل را در چند جمله ساده خلاصه کرد و گفت: «در حزب رسم شده بود، که مشکلات حزب را از این پلنوم به آن پلنوم ببرند، با تشکیل موفقیت آمیز "کنگره" اخیر، به این شیوه حل مشکلات حزبی خاتمه بخشیده شد» (نقل به مضمون)

در پاسخ به این ارزیابی غیرواقعی و غیر علمی، ما به خود ایشان گفتیم و سپس در "راه توده" نوشتیم، که مشکلات با تغییر شکل حل نمی شود! چرا که از این پس، «مشکلات می تواند، از این کنگره به کنگره دیگر برده شود!»

هر رفیق واقع بین و صادقی، با مرور رویدادهای پلنوم های فاصله کنگره های اخیر و حتی خود این کنگره ها، نمی تواند - حداقل - بخشی از آن واقع بینی ما را انکار کند، که در بالا به آن اشاره شد. مشکلات ادامه یافت و جلسات حزبی را از حوزه تا کنگره به خود مشغول داشت، چرا که به شکل پرداخته شد، نه "محتوا"! محتوایی که اگر قرار بود به آن پرداخته شود، در ابتدا باید وضع حزب در داخل کشور، اوضاع کشور و نقش حزب توده ایران در جامعه و بررسی امکانات حضور و تاثیر گذاری اش بر رویدادهای کشور، در دستور آن قرار گرفته و کیفیت آن را تعیین می کرد. بدین ترتیب مشکلات سازمانی، خصلتی و شخصیتی اعضا (از صدر تا ذیل) در چارچوب این محتوا می توانست حل شود، و یا لااقل گام های عملی در جهت آن برداشته شود!

مرور کارنامه سالهای پس از کنگره مهاجرت، همان است که شما باید بیش از ما از آن اطلاع داشته باشید: ادامه تصفیه ها، شکل گیری و ادامه دسته بندی ها، تکرار ادعای غیرواقعی پیرامون وحدت نظر و اتفاق آراء، سقوط کیفیت و کمیت حوزه ها و نشست های حزبی، بی اعتنائی به نظرات و پیشنهادات، تشدید تشتت نظری (از ماوراء "چپ" تا ماوراء "راست")، سقوط نزدیک به مطلق تبلیغات و

کشور، تماس با "نیروهای خودی" در خارج از کشور و تماس با "توده‌ای‌ها" توانمند، و از این نوع تخیلات (سناریوهائی که فقط در ذهن وی واقعیت دارد) شده، با استقبال کیهان هوانی روبرو شده است. کیهان هوانی، و در واقع بخشی از وزارت اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی، بدین ترتیب و از هم اکنون هر نوع تلاش توده‌ای‌ها در داخل کشور برای بلند کردن پرچم حزب را، از زبان رفیق خاوری، وابسته به سازمان امنیت اعلام داشته تا کسی از جایش تکان نخورد! وزارت اطلاعات و امنیت، بدین ترتیب تلاش کرده است بگوید، سیاست رسمی حزب، همان تحریم انتخابات است که "نامه مردم" چاپ کرده و نه مشی و سیاست "راه توده" و یا رای افراد شناخته شده توده‌ای در داخل کشور! بنابراین، حزب توده ایران قانون اساسی را قبول ندارد و نیروی "برانداز" است. کیهان هوانی می‌خواهد بگوید، حزب توده ایران، بنام "توده" در برابر ۲۷ میلیون توده مردم ایران که در انتخابات شرکت کردند، قرار دارد!

همه این اشتباهات سیاسی و تشکیلاتی، تحریم‌ها، چپ نمائی‌ها، دنباله روی از چپ نماها و راست روها (چه در مهاجرت و چه تحت تاثیر همین گرایش‌ها در داخل کشور)، که بخش اندکی از آشفتگی اوضاع کنونی حزب است، جز بر اثر انزوا، بی خبری از جامعه و بی ارتباطی با توده‌ای‌ها و گریز از تماس و بحث و گفتگو و بی خبری از رویدادهای جامعه پیش نیامده است؟ این کیفیت باید تغییر یافته و کیفیت نویسی جایگزین آن شود. شکل تغییر این کیفیت هر نامی داشته باشد، تغییری در ماهیت این کیفیت نمی‌دهد! این همان امری است، که در بالا و در ارتباط با کنگره و کیفیت آن مطرح شد. آن اجلاسی، اجلاس متحرک و واقعی است، که به این مسائل، با صراحت و شجاعت بپردازد!

۲- ما فقط بعنوان یک نمونه از آشفتگی نظری و تشکیلاتی، که ظاهراً اجلاس کنونی نیز باید بخشی از توجه خود را معطوف به آن کند، از یک پیام و یک مصاحبه، یک موضوع را که با دو دیدگاه مطرح شده، مطرح می‌کنیم. پیرامون دلالت این وضع بعداً در راه توده خواهیم نوشت.

بنام کمیته مرکزی حزب توده ایران، در کنگره اخیر سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت- در دیماه ۱۳۷۶، پیامی قرائت شده است. مضمون تسلیم طبانه و غیر واقعی این پیام را مقایسه کنید با مضمونی که رفیق خاوری در مصاحبه خود مطرح ساخته است:

*رفقای عزیز! موضوع "تعیین سیما و هویت چپ" و تحولات پرشتابی که در میهن ما در جریان است، دو مساله کلیدی بحث‌ها و مذاکرات کنگره شما را تشکیل می‌دهد. حزب ما با دقت و علاقه بحث‌های درون سازمان شما را دنبال کرده و می‌کند و معتقد است که طرح این بحث‌ها در سطح جنبش و برخورد آزاد اندیشه‌ها و آراء می‌تواند بی گمان به غنای فکری جنبش چپ میهن ما یاری رساند و از همین برخورد آراء و اندیشه‌ها است که می‌توان نظرات را به یکدیگر نزدیک کرد و راه را برای اشتراک عمل و در انتها وحدت چپ هموار ساخت. (پیام به کنگره فدائیان...)

از مصاحبه "علی خاوری"، مندرج در نامه مردم اول مهرماه ۱۳۷۶ (که ما نیز در اساس با آن توافق داریم، و در کارزار سیاسی-ایدئولوژیک راه توده-بویژه در ارتباط با نشریه "کار" و مشی‌سالمهای اخیر سازمان فدائیان خلق اکثریت- منعکس است)

*حزب ما هم بودند کسانی که معتقد بودند حزب می‌بایست راه کارباچف‌ها، پروستریکا را طی کند خود را از بند "دگم‌های ایدئولوژیک" رها سازد. شما می‌دانید که نه تنها در حزب ما بلکه در سازمان‌های دیگر چپ ایران نیز این اندیشه‌ها گاه تا حد تسخیر خط سیاسی و نظری برخی از این سازمان‌ها پیش رفت و در مجموع اثرات مخربی را بجای گذاشت. کم نبودند تعداد افراد و جریان‌هایی از این دست که در سال‌های اخیر در اظهار نظرهای خود بارها، مارکسیسم، لنینیسم و درستی مقولاتی همچون امپریالیسم، مبارزه طبقاتی، ماتریالیسم دیالکتیک و تاریخی را کفن و دفن کردند، مارکس را خیال پرداز و لنین را دیکتاتور معرفی نمودند و در انتهای کار هم در پوشش نو گرانی و نو اندیشی، سرمایه داری یعنی یک ساختار واپسگرا، کهنه و پوسیده را، در شکل بزرگ شده آن به عنوان راه حل نهائی مورد تایید قرار دادند. اظهار فضل‌های این چنینی بیش از آنکه نشانگر کار جدی علمی پیرامون مقولات بسیار بفرنج، پیچیده و ظریف اجتماعی اقتصادی باشد، این شناخت و درک رسیده باشند که مارکسیسم و لنینیسم بخشی از علوم اجتماعی است که دانشمندان از موافق و مخالف پیرامون آن هزاران کتاب و مقاله نوشته و می‌نویسند و برای اظهار نظر پیرامون آن نیاز به کار علمی و کارشناسانه هست و نمی‌توان تنها با خواندن یکی دو جزوه کوچک و انشاء نویسی‌های بی سر و ته و طولانی در باره آن به تضوات نشست.

نخستین چاره‌جویی برای برداشتن نخستین گام، در جهت وحدت تشکیلاتی حزب، تشکیل یک هیات پیگیری برای تماس با توده‌ای‌های خواهان فعالیت است. تصویب قطعنامه‌ای در این ارتباط و انتشار آن، شاید بتواند گام موثر و اولیه در این ارتباط باشد. در غیر اینصورت، دیگرانی که جلب نیروها را وظیفه روز خود اعلام داشته‌اند، زمان را از دست نخواهند داد.

در جامعه‌ای که بیش از ۲۰ روزنامه و هفته‌نامه و ماهنامه در آن منتشر می‌شود، شعار "جبهه واحد ضد دیکتاتوری" یک شوخی است. همان اندازه که دو شعار تاکتیکی در یک مرحله از مبارزه و جنبش بدعتی است حیرت انگیز! یعنی دو جبهه "ضد دیکتاتوری" و "طرد ولایت فقیه!"

از جنجال‌هایی که در داخل و خارج از کشور برپا می‌کنند و نشریه "نامه مردم" متاثر از این نوع جنجال‌ها، مطلب منتشر می‌کند، باید فاصله گرفت. آنچه که امروز در میان توده مردم مطرح نیست "طرد ولایت فقیه" است. این امید که کار بدانجا ختم شود، به مفهوم سر دادن این شعار، در شرایط کنونی نیست، و اساساً شکل حکومت، علیرغم همه تاثیراتی که بر سیر تحولات دارد، نمی‌تواند بصورت تضاد اساسی مورد توجه ما باشد! بویژه در شرایط خاص کنونی در جامعه، که هر کلام و گامی باید در جهت گشایش فضای سیاسی، تقویت قانونمداری، پافشاری بر اجرای قانون اساسی و از این طریق، تحمیل انزوا به ضد انقلابی‌ترین و ارتجاعی‌ترین بخش حکومت باشد. هر شعاری که ما را حزبی مخالف قانون اساسی معرفی کند، امروز و در شرایط مشخصی که در جامعه حاکم است، شعاری است چپ روانه و غیر توده‌ای! حاصل سردادن این نوع شعارها جز انزوا نمی‌باشد. ما نمی‌دانیم چرا از بحث و شنیدن نقطه نظرات ما در این باره طفره رفته می‌شود. این شعاری است که در واقع ارتجاع حاکم و راست‌ترین جناح حکومتی، آگاهانه آنرا می‌خواهد به جنبش تحمیل کرده و خود پشت آن پنهان شود. شاید "جبهه آزادی" و یا "جبهه واحد ضد ارتجاع"، جبهه دفاع از قانونمداری و یا حتی جبهه دفاع از آرمان‌های انقلاب، بتواند بازگو کنند مرحله کنونی جنبش باشد، اما قطعاً شعارهای کنونی منتشره در "نامه مردم" بازگو کننده اوضاع کنونی جامعه نیست و از آن بدتر اینکه "نامه مردم" دولت کنونی را، با توصیه به پیوستن به جبهه "طرد ولایت فقیه"، تشویق به مخالفت با "قانون اساسی" می‌کند! یعنی همان بهانه‌ای که ارتجاع و جناح راست برای یورش به دولت خواهان آنست! ما نمی‌گوئیم، این نظرات ما خشه ناپذیر است، اما معتقدیم باید از درون یک بحث همه جانبه، شعار و تاکتیک روز را بیرون کشید. ماجرای انتخابات و شعار و سیاست "تحریم انتخابات" نشان داد، که گریز از بحث و گفتگو و تبادل نظر و ادامه خود محوری‌ها چه ضررهای می‌تواند به حزب وارد آورد. هر نوع سیاست، شعار و تاکتیکی که احتمال باز شدن اندک‌ترین فضای ممکن برای حزب توده ایران را در داخل کشور ببندد، نه تنها پذیرفتنی نیست، نه تنها با واکنش داخل و خارج از کشور روبرو خواهد شد، بلکه پافشاری بر آن، حزب را بدان سمت می‌برد، که داخل حرف و سخنی دیگری را پیگیری کند، که در اینصورت و بصورت طبیعی، جریان مهاجرت خلع یابد است!

اوضاعی بدین بفرنجی و دستورکاری بدین اهمیت و وسعت، تدارکی از این دست را، که یکبار دیگر و در تدارک جلسه کنونی تکرار شده، و ادامه یکه تازی و خیالپردازی را تحمل می‌کند؟ تجربه می‌گوید: خیر!

حزب ما امروز در برابر این وظایف قرار دارد:

- ۱- بسیج نیرو، وحدت حزبی و پایان بخشیدن به پراکنده ساختن نیروها
- ۲- پذیرش واقعیات امروز جامعه ایران و تلویین سیاستی منطبق با این واقعیات
- ۳- بهره گرفتن از هر امکان ممکن و مقلود-هراندازه اندک- برای حضور در جامعه

در باره هریک از این سه عرصه، باید سیاستی مشخص و صادقانه اتخاذ کرده و اعلام داشت. نه تنها اعلام داشت، بلکه در جهت تحقق آن گام‌های عملی برداشته و خود را موظف و متعهد به اجرای آن اعلام داشت.

"راه توده" بعنوان یک گردان متعهد حزبی، آمادگی خود را برای همه گونه تلاش در جهت تحقق سه عرصه یاد شده در بالا اعلام می‌دارد، و امیدوار است، که همه رفقا، مسئولین و دلسوزان واقعی حزب، تلاش و کوششی اینگونه را در خود برانگیخته و در عرصه کار و یکبار حزبی بدان عمل کنند!

"راه توده" ۱۰ فوریه ۱۹۹۸ ۲۱ بهمن ۱۳۷۶

۱- نگاه کنید به مقدمه‌ای که "کیهان هوانی" بر بخش‌هایی از مصاحبه رفیق خاوری با "نامه مردم" افزوده و آنرا منتشر ساخته است. در این مقدمه تناقض در موضعگیری‌های "نامه مردم"، قبل از انتخابات ریاست جمهوری در برابر ادعاهای رفیق خاوری در این مصاحبه، که پس از انتخابات مطرح شده، قرار داده شده است. بخش‌هایی از این مصاحبه که رفیق خاوری (بی اطلاع از اوضاع و اخبار) در آن مدعی مجاز بودن مصاحبه رادیویی از داخل کشور با خارج از